

دیموکراسی تقلبی و نقش مطبوعات در آن استعفی هفت تن از ژورنالستان تلویزیون آریانا

ازین طریق و بدینوسیله از اقدام شجاعانه این ژورنالستان تلویزیون آریانا - افغانستان پشتیبانی نموده و از خوانندگان، فرهنگیان و هموطنان خویش تقاضا دارم تا خدمت گاران خویش را شناخته و از آنها به پشتیبانی برخیزند. نباید بی تفاوت ماند و ادای رسالت نکرد. در حدیث پیامبر اسلام آمده است که ساکت از گفتن حق لعنت شده است.

بحق که افغانستان و جهان از ده سال قبل تغییر کرده و به تعداد زیادی از وسایل اطلاعات جمعی در سطح ملی و بین المللی در مورد ادای رسالت مطبوعات و تحقق دیموکراسی و بلند کردن صدای ملت به نحوی ایفای وظیفه میدارند. همین حالا در افغانستان بیشتر از سی تلویزیون شخصی و بیشتر از ۱۵۰ رادیو و صدها رسانه چاپی نشرات دارند.

بلی این یک دست آورد بزرگ پنداشته میشود. اما عدم پیگیری در تطبیق قانون و عدم مراعات اصول و مقررات و موازین تجربه شده این موفقیت را نیز به مشکل جدی مواجه ساخته که بنیاد و اتوریته دیموکراسی و جامعه آزاد را بصورت جدی خدشه دار ساخته و حتی مشروعیت و مناسب بودن آنرا برای جوامع بشری مانند نظام و سیستم عادلانه ممکن بشری مورد سواد جدی قرار میدهد. بلی با بکار گیری دیموکراسی تقلبی آن نقشی را که باید مطبوعات درین راستا اداء کنند به علت موانع سیستمی و برخی از عوامل دیگر نمی توانند اجرا بدارند. بهمین علت است که عده ای تصور دارند و نتیجه گیری میکنند که این دیموکراسی و این آزادی مطبوعات و این اقتصاد بازار آزاد به درد نمی خورد. درحالیکه نقص اساسی در عدم تطبیق پیگیر اصول و موازین این مفاهیم و انستیتوت ها است نه در مبادی و محتوی این انستیتوت ها. بلی بشریت همین دیموکراسی را با تمام کمبودی های معین آن دارد که اگر بصورت دقیق، درست و پیگیر عملی شود، زمینه های خوب حاکمیت مردم و خدمت به انسان و انسانیت را ممد شده میتواند.

من درین نوشته برخی ازین نواقص سیستمی را در پهلوی بخشی دیگر از عواملی که وضع نامطلوب را برکشور و جامعه ما مسلط کرده صرف در بخش مطبوعات بر می شمارم و بیشترین بحث خویش را صرف درین رابطه خدمت تقدیم میدارم.

شواهد تاریخی گواه است که حضرت پیامبر اسلام (ص) زمانی از مکه به مدینه هجرت کرد که در مدینه زمینه ایجاد حاکمیت اسلامی مهیا شده بود. بمفهوم اینکه پیامبر اسلام بعد از رسالت و بعثت تحت سلطه حاکمیت غیر زندگی نکرده. این حالت بُعد و عمق و فلسفه عمیق خویش را دارد که بر علاوه دیگر توانسته بصورت استوار و بدون تزلزل در خدمت اهداف مقدس و ادای رسالت بس عظیم بصورت پیگیر و متین کار کند و استوار باشد. این بخش از زندگی پیامبر اسلام نیز به مشیت الهی در عالم اسباب به نحوی خود برای ما نیز الهام بخش است.

حالت عموم و به شکل و صورت وسیع:

با تأسف و محاسبه بس ساده و منطقی مسایل بصورت واضح در میابیم که عده زیادی از مسؤولین درجه اول کشور بشمول شخصیت ها، گروه ها و احزاب سیاسی مطرح امروزی کشور بشمول آنهایکه اتوریته های طبیعی نیز اند از دست و تسلط شبکه های استخباراتی خارجی ذیدخل و سخت مصروف و طماع به افغانستان و سرنوشت آن، در قدم اول پاکستان و ایران گذشته اند.

این حالت و دوسیه های اوپراتیفی و استخباراتی این مسؤولین و افراد مسلط بر اریکه قدرت در افغانستان و بخشی از قوماندانان جنگی بنا بر عوامل مختلف سبب و تحت سلطه ماندن و تأثیر منابع استخباراتی غیر، خاصاً پاکستان و ایران کما کان ادامه دارد.

عده ای بنا بر تهدید، ضرورت به شفاخانه و تداوی، عده ای بنا بر بودن فامیل های شان درین کشورها و عده ای هم به با خبری از سرنوشت ملا برادر (یکی از رهبران طالبان که بعد از حاضر شدن به مذاکره به جانب افغانی از جانب پاکستان دستگیر و تاحال لادرک است)، ملا عبیدالله (وزیر دفاع طالبان - در زندان پاکستانی کشته شد.)، ملا ربانی (رهبر طالبان در کابل در وقت حاکمیت اوشان. زهر داده شد و در پشاور وفات کرد.)، ملا بُرجان (وزیر دفاع طالبان در قسمت سروبی از جانب پاکستان کشته میشود.)، رئیس اتحادیه ژورنالستان افغانی در

مکروریان کابل سال گذشته به طور مرموز و بنا بر بعضی روایات از جانب منابع ایرانی، ترور و کشته میشود. تیزاب پاشی و قصد قتل نویسنده و تحلیل گر کشور آقای رازق مأمون به اشارات منابع ایرانی. و سرگذشت های صدها و هزارهای کم نام دیگر افغان که به اینگونه قربانی شده اند در ادامه این تراژیدی مردم ما تأثیرات بس مرگبار روانی و زمنیه سازی برای در خدمت ماند اجنبی گذاشته است.

این حالت سبب شده که عده ای همین حالا هم بصورت عینی وضع را دیده و ترس دارند که اگر در مسایل جانب افغانی و خدمت بوطن و جانب دفاع از ناموس وطن را بگیرند به سرنوشت فوق مواجه خواهند شد و یا گرسی های دولتی که بقدرت رسانده شده اند از دست شان گرفته خواهد شد.

از لحاظ سیاسی و در عصر امروزی افتضاح بیشتر و بالاتر سیاسی ازین نیست که شخص اول دولت اعتراف میکند که بلی از ایران پول دریافت میکند و کتابچه مصرف را بجانب ایرانی نشان داده است. هیچ انسان معقول و هیچ عقل سلیم قبول کرده نخواهد توانست که این پول خیرات است و یا صرف و صرف رایگان داده شده. بیاد داریم که آقای سپنتا قبول پول رشوت داده توسط ایران نپذیرفت و رد کرد. به یقین و منطق سخن گفته میتوانیم که همچو پرداخت های غیر مشروع، حرام و غیر قانونی به تمام مراجع مسؤول رسمی و غیر رسمی و احزاب و سازمان های وابسته به منافع ایرانی بصورت وسیع صورت گرفته و میگیرد.

مسلم و غیر قابل انکار است که بخشی از اجیران ایرانی به زور و پول ایرانی بعصویت پارلمان و حکومت افغانستان راه یافته اند. بیقین گفته میتوانیم که رهبران معین سیاسی متعلق و خدمتگار باهدف ایرانی و پاکستانی در افغانستان کم نیستند. دلیل آن ساده و عام فهم است. موضعگیری و اجراءات به نفع اهداف این منابع خارجی پاکستانی و ایرانی بصورت واضع ثبوت ادعای ماست.

منطق و شناخت ما از حالات مشابه در جوامع مختلف بشری و ترس این مقامات اجیر دشمن از برملا شدن و تهدید این منابع استخباراتی و یا هنوز هم با گرفتن پولهای بی شمار ایرانی این مراجع بصورت عملی بخدمت برای اهداف ایرانی ادامه میدهند. حاکمیت هم برای بقای چند روز حاکمیت خویش برای پایه گذاری های اساسی این مراجع خارجی هیچ کاری را کرده نمیتواند و اوضاع روز به روز وخیمتر میشود.

کار برای شخصیت سازی های کاذب بشدت و موفقیت ادامه دارد. اینها اند که وزیر و رئیس و وکیل تعیین میکنند. اینها اند که تفاهات بین پیشتازان حاکمیت برای اهداف ستراتیژیک بعدی خویش را روی دست دارند و موفقانه کار میکنند.

اظهارات آقای عطا محمد والی بلخ در مجلس بزرگداشت از سالگرد انقلاب اسلامی ایران چندی قبل برای یک سیاست مدار افغانی عضو حاکمیت امروزی دولت آقای حامد کرزی حتی برای این حاکمیت باید قابل قبول نباشد. جلسات اوپراتیفی سفیر ایران با معاون اول رئیس جمهور و صدها تلاش روشن، آشکار و مخفی برای استعمال منابع و امکانات افغانی برای مصالح کشورهای شان و هماهنگی کار این منابع مسایلی اند که بصورت واضح قابل درک اند.

اما قابل درک و فهم نیست چرا افغان باید افغانیت خویش را فراموش کند و در خدمت این منابع خارجی قرار بگیرد. درین راستا تلاشهای این منابع ایرانی در بین افغانها که اولاً آنها را با کار بس وسیع تبلیغاتی و فتنه گر از هویت و افتخارات خویش ناراضی بسازند و به هر آنچه عزت و شرف کشور و تاریخ ماست بی اعتماد بسازند و تاریخ افغانستان را به توهین و تحقیر بگیرند و تاریخ این کشور را به باب و میل ایرانی ها بنویسند. تصادفی نیست که با احمد شاه ابدالی بخاطر جدا شدن از امپراتوری شان دشمنی کنند و هروقت فرهنگی و تاریخ کشور ما را تقلبی بپندارد و عده ای از نوکران و مبلغین خویش را درین قسمت تمام عیار ساخته و برای شان امکانات مادی ومعنوی و مراجع درسی در اختیار قرار دهند و شخصیت سازی کنند. دقیقاً کار برای برنامه های طویل المدت امپراتوری ایران و . . . را تطبیق میکنند. سرمایه گذاری ها به راه های مواصلاتی، ایجاد تلویزیون های زبانی، ایجاد مراکز بس پُر مصرف و براه انداختن نمایشگاه های کتب ایرانی، خریداری زمین های معین در خطوط معین، پروژه نور که از هرات تا کابل باید زمینه های اسکان معین سر براه شود و براه اندازی عروسی های دسته جمعی و دهها برنامه ایرانی در موارد بظاهر جذاب روی دست است و این پروسه ادامه دارد.

اینکه چي تعداد اجیران و نوکران شان در حلقات مختلف حاکمیت آقای حامد کرزی وجود دارند شما خود محاسبه کرده میتوانید. ما کار و عمل هر کس را دیده و محاسبه میکنیم و نتیجه گیری هم چندان مشکل نیست. این محاسبات نشان میدهد که برای کي و برای چه کار میکنند؟

اگر حاکمیت امروزی ایران به غم و درد افغانهای خود را شریک میداند لطفاً رد مرز های از منزل سوم عمارت، اعدام های افغانها بدون محاکم عادلانه و تحت اهداف سیاسی در ایران جلوگیری نموده و آنرا توقف دهد.

اگر حاکمیت امروزی ایران واقعا به مردم افغان دلسوزی دارد باید برای افغانها زمینه و حقوق یک مهاجر را که حق اقل کار است برای افغانها در ایران مهیا سازد. درین راستا دهها تخلف است که حاکمیت امروزی ایران در حق مردم ما کرده و میکنند که قابل قبول انسان و انسانیت نیست.

لذا کنترل و یا تلاش برای کنترل وسایل اطلاعات جمعی کشور و از جمله تلویزیون بس مهم آریانا افغانستان یک حالت کاملاً قابل پیش بینی و تصور است. اینکه سیستم سیاسی و حاکمیت چنین زمینه سازی را برای شان مهیا ساخته نیز قابل دقت و غور و تصحیح عاجل است. بلی سیستم نادرست زمینه را برای تطبیق دیموکراسی تقلبی در افغانستان مهیا و آماده ساخت که یک نمونه مشخص آنرا ذیلاً به بحث میگیرم.

مشکل از لحاظ خطا بودن سیستم:

میدیا و مطبوعات در کشورهای دیموکراتیک توسط کمیته مستقل و از جانب اتوریتیه های طبیعی و انتخابی تحت نظر قانون مطبوعات کنترل و نظارت شده و درین راستا باساس کودکان ها و نورمهای اخلاقی و کار صورت میگیرد. در کشور ما افغانستان رئیس این کمیته و کمیسیون خلاف عقل و منطق و خلاف اصول دیموکراسی مانند کمیسیون کنترل مسلکی بر مطبوعات شخص وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان آقای رهین گماشته شده. این حالت بذات خود سبب گردیده که عین مرجع هم مجری سیاست معین باشد و هم خود قاضی که در نتیجه آن برخورد درست صورت نگرفته و باین ترتیب یکی از ارکان مهم کارایی دیموکراسی و نظام دیموکراتیک در بخش مطبوعات عمداً فلج ساخته شده و باین ترتیب سهم و کنترل مستقیم مسلکی فرهنگیان و قلم که سبب کارایی دیموکراسی به نحوی بهتر میشود نمایشی شده و زمینه سیستمی برای دیموکراسی تقلبی مهیا شده است، که اصلاً قابل قبول نیست.

ازین طریق از فرهنگیان کشور، ژورنالستان و تمام دست اندرکاران فرهنگی و ژورنالیزم توقع دارم که درین راستا صدای خویش را بلند و این مرکز را از قید و سلطه حاکمیت دولتی خارج ساخته و انتخابات جدید در زمینه صورت گیرد.

ازین طریق از هموطنان و فرهنگیان خویش تقاضا دارم که با در نظر داشت کار عملی ژورنالیستیکی، برنامه های بس عالی و شجاعت عملی شان جناب فیاض را به حیث رئیس کمیسیون مستقل نظارت بر میدیای کشور پیشنهاد داشته و کار کمپاین برای تحقق این پیشنهاد در صورتیکه آنرا موجه بدانند، آغاز بدارند.

ازین طریق و بدینوسیله از اقدام شجاعانه این ژورنالستان تلویزیون آریانا - افغانستان پشتیبانی نموده و از خوانندگان، فرهنگیان و هموطنان خویش تقاضا دارم تا خدمت گاران خویش را شناخته و از آنها به پشتیبانی برخیزند. نباید بی تفاوت ماند و ادای رسالت نکرد. در حدیث پیامبر اسلام آمده است که ساکت از گفتن حق لعنت شده است.

پایان